

انجیل با دو قرائت

محمد کاظم شاکر*

چکیده

مطابق با قرآن کریم، انجیل کتابی آسمانی است که خداوند بر حضرت عیسی (ع) نازل کرده تا آن را بر مردم ابلاغ کند و آن مشتمل بر هدایت، ذکر و احکام الهی بوده است. اما مسیحیان این مفهوم از انجیل را از اساس منکرند. آنها هرگز نمی‌گویند که عیسی کتابی به نام انجیل آورده است. آوردن وحی توسط عیسی به گونه‌ای که حضرت موسی تورات را و حضرت محمد قرآن را آورده‌اند، در الهیات مسیحی جایگاهی ندارد. آنها حقیقت انجیل را بشارت به رستگاری می‌دانند که حاصل تجسد خدا در عیسی، تصلیب، و زنده شدن عیسی پس از مرگ است. بنابراین می‌توان گفت که دو قرائت کاملاً متفاوت از مفهوم انجیل نزد مسلمانان و مسیحیان وجود دارد.

نویسنده در این مقاله ضمن تبیین هر دو دیدگاه، با استناد به متون تاریخی و مسیحی، دیدگاه قرآنی در مورد انجیل را تقویت کرده است.

کلید واژه‌ها: انجیل، اناجیل اربعه، قرآن، مسیحیت، تجسد، تصلیب، بشارت

۱. مقدمه

از دیدگاه مسلمانان، انجیل کتابی است آسمانی که خداوند آن را بر حضرت عیسی وحی کرده، همان طور که تورات را بر حضرت موسی و قرآن را بر حضرت محمد (ص) نازل کرده است. اما مسیحیان از اساس با چنین برداشتی از انجیل بیگانه اند، بلکه آن را پیام نجات و رستگاری می دانند که از طریق تجسد خدا در عیسی، مرگ او بر صلیب و رستاخیزش (پس از سه روز ماندن در قبر) حاصل شده است. این نوشتار در صدد است تا چند و چون انجیل مسیحی و انجیل مورد نظر قرآن را به تفصیل بررسی کند و حقانیت قرآن را در این زمینه به اثبات برساند. با مطالعه آیات قرآن در مورد انجیل و با در نظر گرفتن واقعیت های تاریخی و اعتقادات مسیحیان در این باره، پرسش هایی مطرح می شود که باید به آنها پاسخ گفت. برخی از این پرسش ها به این قرارند: وقتی قرآن از انجیل موجود در نزد مسیحیان عصر پیامبر (ص) سخن می گوید، کدام کتاب مسیحیان را قصد کرده است؟ اگر منظور قرآن از انجیل، همان چهار انجیل معروف است، چرا آن را با لفظ مفرد آورده است؟ در صورتی که انجیل خاصی از انجیل چهارگانه را قصد کرده، چرا با نام از آن انجیل یاد نکرده است؟ یادکرد از پیامبر اسلام و نیز مثل یاران پیامبر اکرم (ص) که قرآن به آنها اشاره دارد، در کدام انجیل موجود است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش ها ابتدا دیدگاه های قرآن و مسیحیان را در مورد انجیل به طور جداگانه بررسی می کنیم و آن گاه به تجزیه و تحلیل آنها می پردازیم.

۲. انجیل از نگاه قرآن

در قرآن کریم دوازده بار از «انجیل» یاد شده است. قرآن تصریح می کند که انجیل وحی الهی است که خداوند بر عیسی (ع) نازل کرده است. (حدید، ۲۷/۵۷؛ مائده، ۴۶/۵). این پیام وحیانی در شریعت عیسی، همان نقشی را دارد که تورات در شریعت موسی و قرآن در شریعت اسلام دارد، از این رو، هشت بار انجیل به عنوان زوج تورات، (آل عمران، ۳/۳؛ ۴۸، ۴۸؛ مائده، ۶۶/۵، ۶۸، ۶۸؛ اعراف، ۱۵۷/۷؛ توبه، ۱۱۱/۹) و دوبار در کنار تورات و قرآن از آن یاد شده است. (آل عمران، ۳/۳؛ توبه، ۱۱۱/۹) به طور کلی، موارد کاربرد واژه انجیل در قرآن را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. مواردی که به انجیل اصلی اطلاق شده، و آن وحی ای است که بر عیسی (ع) نازل شده است، نظیر آن که قرآن می فرماید، **آتیناه الانجیل** (مائده، ۴۶/۵)؛ ۲. مواردی که به انجیل موجود در عصر نزول اطلاق شده است، مانند اشاره قرآن به وجود اوصاف پیامبر اسلام در تورات و انجیل (اعراف، ۷/۱۵۷) و یا مانند آن که قرآن مسیحیان را دعوت می کند تا به اجرای آن چه خداوند در انجیل

برای آنان نازل کرده، بپردازند و مطابق احکام و مقررات انجیل قضاوت کنند. (مائده، ۴۷، ۶۶/۵، ۶۷).
گرچه قرآن کریم مضامین و محتویات انجیل را به تفصیل بیان نکرده است، با این حال می‌توان موارد زیر را از مجموع یادکرد قرآن از انجیل یافت:

تصدیق انجیل توسط قرآن. (مائده، ۴۸ / ۵؛ فاطر، ۳۵ / ۳۱؛ انعام، ۹۲ / ۶) تصدیق قرآن کریم نسبت به تورات و انجیل و کتب آسمانی پیش از خود به این معناست که قرآن کریم وحی آن کتب را از جانب خدا و محتوای آنها را مانند توحید، معاد و... تصدیق می‌کند، نه این که قرآن کریم، تورات و انجیل و کتب آسمانی موجود را با همه جزئیاتش تصدیق کرده باشد. (طباطبائی، ۳۴۹/۵؛ صادقی، ۶۹ / ۲۶) البته از برخی آیات فهمیده می‌شود که قرآن به نحو اجمال و حیانی بودن برخی از آموزه های تورات و انجیل موجود را نیز پذیرفته است. (طباطبائی، ۳۴۲/۵)

انجیل تصدیق کننده تورات و مکمل آن است. (مائده، ۴۶/۵) شریعت حضرت عیسی جز در برخی موارد ناسخ شریعت موسی نبوده است. از همین روست که قرآن در دو مورد تأکید می‌کند که خداوند تورات و انجیل را با هم به عیسی داده است. (آل عمران، ۴۸/۳؛ مائده، ۱۱۰/۵)
انجیل کتاب هدایت و نور است. (مائده، ۴۶/۵)

انجیل کتاب موعظه و اخلاق برای متقین است. (مائده، ۴۶/۵)

انجیل علاوه بر مواعظ اخلاقی، مشتمل بر دستورات و احکام الهی است که می‌بایست اهل انجیل بدان عمل کنند. (مائده، ۴۷/۵؛ آل عمران، ۵۰/۳)

قرآن به برخی وعده‌های خداوند اشاره دارد که این وعده‌ها در تورات و انجیل نیز موجود بوده است، مانند وعده بهشتی که خداوند برای جهاد در راه خدا به مؤمنان داده است (توبه، ۱۱۱/۹). هم چنین قرآن به برخی اخبار غیبی انجیل مانند بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) و ویژگی های یاران آن حضرت اشاره دارد. (اعراف، ۱۵۷ / ۷؛ فتح، ۲۹/۴۸).

۳. انجیل از نگاه مسیحیت

معمولاً مسلمانان با پیش فرضی که از قرآن دارند، چنین می‌اندیشند که انجیل در فرهنگ مسیحیان تنها به همان چهار کتابی که در آغاز عهد جدید قرار دارد، اطلاق می‌شود، با این تصور که مسیحیان آنها را همان کتاب عیسی مسیح می‌دانند که عده ای از حواریونش گزارش کرده اند. این در حالی است که مسیحیان هیچ کدام از این پیش فرض‌ها را قبول ندارند. بنابر این، دیالوگ واقعی و منصفانه با مسیحیت اقتضا می‌کند که تصویری واقع بینانه از آن چه مسیحیان در باب مفهوم، حقیقت و مصداق انجیل می‌اندیشند، داشته باشیم و صرفاً با پیش فرض‌های خودمان در باره اعتقادات مسیحی به داوری ننشینیم. واقعیت آن است که چهره‌ای که مسیحیان

از انجیل عرضه می‌کنند با آن چه قرآن کریم ترسیم کرده و متفاهم عرف مسلمانان نیز شده، کاملاً متفاوت است.

مسیحیان امروز هرگز نمی‌گویند که عیسی کتابی به نام «انجیل» آورده است. آوردن وحی به دست عیسی به گونه‌ای که حضرت موسی تورات را و حضرت محمد(ص) قرآن را آورده‌اند، در الهیات مسیحی جایگاهی ندارد. مسیحیان عیسی را «تجسم وحی الهی» می‌دانند و به عقیده آنان، وی نه حامل پیام، بلکه عین پیام بوده است. بنابراین، آنها به انجیلی که عیسی مسیح آن را نوشته باشد یا بر شاگردانش املا کرده باشد، اعتقادی ندارند. (میشل، ۴۹) اعتقادات مسیحیان در مورد انجیل را می‌توان در دو حوزه بررسی کرد: یکی حقیقت و ماهیت انجیل و دیگری نوشتارهای موسوم به اناجیل.

۱۰۳+ حقیقت انجیل مسیحی

«انجیل» در اصطلاح مسیحیان به معنای «بشارت» در مورد عیسی مسیح و رستگاری ای است که او برای نوع بشر به ارمغان آورده است. (E.F, 193)

در نوشته‌های عهد جدید نیز نوعاً انجیل به عنوان بشارت رستگاری الهی است که عیسی به عنوان مسیح و نجات دهنده برای بشر آورده است. مسیحیان این بشارت را حاصل مصایب و آلام مسیح به عنوان پسر خدا و مرگ و رستاخیز او می‌دانند.

برخی از مسیحیان نیز در بیان حقیقت انجیل بر مفهوم «فدا» تکیه کرده‌اند، به این معنی که عیسی با زندگی، مرگ و رستاخیز خود، انسان و جهان را از گناه و پیامد آن که مرگ و نابودی است، نجات بخشید. (Van, 7-8) بنابراین، هر انسانی که به مسیح ایمان بیاورد، مشمول رستگاری الهی خواهد بود. (C.E, 6/367)

با این مبنا، آن چه اکنون به اناجیل معروف است (چهار کتاب اول از عهد جدید) صرفاً نامی است که در پایان قرن دوم میلادی به نوشته‌هایی که زندگی، اقوال و افعال عیسی را گزارش کرده، اطلاق شده است. بنابراین، نباید بین حقیقت انجیل از دیدگاه مسیحیان و این متون نوشتاری خلط صورت گیرد. در خود این اناجیل و دیگر کتاب‌های عهد جدید از «انجیل» سخن رفته است، بدون آن که از لفظ «انجیل»، این کتاب‌ها یا امثال آنها قصد شده باشد. (N.C.E., 6/367) بیشترین کاربرد این معنا از انجیل (حقیقت انجیل) در سخنان پولس مشاهده می‌شود که اصطلاح یونانی «اوانگلیون»، را که واژه انجیل از آن برگرفته شده، شصت بار به کار برده است. (رومیان، ۱: ۵-۱؛ ۹: ۱؛ ۱۵: ۱)

۲۰۳+ نوشتارهای مسیحی با نام انجیل

با سپری شدن نیمه نخست قرن اول میلادی، رسولان عیسی مسیح و شاگردان آنها دست

به قلم برده، نوشته‌هایی را از خود برجای گذاشتند. این نوشته‌ها را می‌توان در چهار عنوان طبقه بندی کرد: ۱. نامه‌های رسولان؛ ۲. اعمال رسولان؛ ۳. خاطره‌های رسولان؛ ۴. مکاشفات.

اولین نوشته‌ها متعلق به پولس رسول (Paul) است. او نامه‌هایی را به مسیحیان در نقاط مختلف جهان نوشته و پیام عیسی مسیح را به آنها رسانده است. تعداد زیادی از این نامه‌ها اکنون در مجموعه «عهد جدید» قرار دارد. از رسولان دیگر نیز نظیر یوحنا، یعقوب، برنابا، یهوذا و پطرس نیز رساله‌هایی باقی مانده که برخی از آنها در مجموعه عهد جدید پذیرفته شده و برخی دیگر از طرف کلیسا در قرون اولیه تاریخ مسیحیت رد شده است؛ افرادی مثل لوقا به ثبت فعالیت‌های تبشیری حواریون و رسولان پرداخته‌اند که کتاب اعمال رسولان نمونه بارز این نوشته‌هاست که اکنون در عهد جدید جای دارد؛ برخی نوشته‌ها نیز به صورت رمزگونه و با زبانی سمبلیک به پیشگویی حوادث آخرالزمان پرداخته‌اند که آنها را مکاشفات می‌نامند. آخرین کتاب عهد جدید یعنی مکاشفه یوحنا از این دست است؛ و بالاخره، عده‌ای از رسولان و شاگردانشان به ثبت گوشه‌هایی از زندگی عیسی (ع)، مشتمل بر افعال و اقوال وی، پرداختند که یا خود آنها را از نزدیک شاهد بوده‌اند و یا از شاهدان عینی شنیده بودند. این نوشته‌ها تا نیمه اول قرن دوم به عنوان «خاطره‌های رسولان» شناخته می‌شده و در اواخر قرن دوم به «اناجیل» شهرت یافته اند. (آشتیانی، ۴۱) مسیحیان خود می‌گویند که نام حدود پنجاه انجیل از این نوع به دست ما رسیده است، با این حال، تنها از بیست مورد از آنها اکنون اطلاعاتی در دسترس است که انجیل عبرانیان، پطرس، مصریان، فیلیپ، توما، یعقوب، نیکوداموس، دوازده حواری، یهوذا و انجیل مارکیون از جمله آنهاست. (I.S.B.E., 1/183)

کلیسای مسیحی در اواخر قرن دوم میلادی از میان نوشته‌های متنوع و بسیار از چهار گروه نوشتارهای فوق‌الذکر، تعدادی را به عنوان کتاب‌های قانونی و معتبر (Canon) گزینش کرد که به عنوان «عهد جدید» در کنار «عهد قدیم» دومین بخش از کتاب مقدس مسیحیان را تشکیل داد. (میشل، ۴۲) در سال ۳۸۲ میلادی انجمنی از اسقفان، لیست نهایی حاوی ۲۷ کتاب را نهایی کردند که این لیست به طور مجدد به دست مجمع ترنت (Trent) در فاصله سال‌های ۱۵۴۵-۷ تأیید شد. (Lofmark, 27) نوشته‌های دیگر که مورد تأیید کلیسا قرار نگرفت، به عنوان «اپوکریفا»، یعنی نوشته‌های مشکوک و غیر معتبر شناخته می‌شوند که تعداد بسیاری از آنها از بین رفته و تعدادی نیز هنوز باقی است. این نوشته‌ها در هر چهار گروه (نامه‌ها، اعمال، اناجیل و مکاشفات) یافت می‌شوند. (I.S.B.E., 1/165)

مسیحیان، نویسندگان کتب عهد جدید و از جمله چهار انجیل را پیامبر نمی‌دانند، اما معتقدند که همگی آنان در تمام آن چه نوشته‌اند، با الهام الهی عمل کرده‌اند. (میلر، ۷۰) و این

چیزی است که خود نویسندگان عهد جدید هم به آن تصریح کرده‌اند. (دوم تیموتائوس، ۱۶/۳) نویسندگانی مسیحی می‌نویسد: سرانجام جامعه مسیحیان با راهنمایی روح القدس از میان نوشته‌های مسیحی بی‌شمار، به ۲۷ کتاب که انجیل‌های چهارگانه نیز جزء آنهاست، اقرار کرد و پذیرفت که آنها با الهام الهی نگارش یافته‌اند. (میشل، ۵۱)

۴. دفاع از دیدگاه قرآن در باب انجیل

مسیحیان امروزه با پیش فرض‌هایی که بدان‌ها اشارت رفت، محتویات قرآن در مورد انجیل را مطالعه و سؤال‌ها و اشکال‌هایی را مطرح می‌کنند. آنها می‌گویند: با فرض قرآن، عیسی کتابی به نام «انجیل» داشته است، حال آن که مسیحیان چنین فرضی را از اساس منتفی می‌دانند. اگر بپذیریم که قرآن با کاربرد لفظ انجیل به نوشته‌های مسیحی موسوم به انجیل اشاره می‌کند، سؤال آن است که چرا قرآن از آنها با لفظ جمع (انجیل) یاد نمی‌کند؟ آنها نتیجه می‌گیرند که اطلاعات پیامبر اسلام از مسیحیت و انجیل بسیار سطحی بوده و احتمالاً این اطلاعات صرفاً متکی به اعتقادات مسیحیان ساکن در مدینه بوده است و آنها نیز فقط با برخی از نوشته‌های جعلی مسیحیت با عنوان انجیل آشنا بوده‌اند. (E.I., 13/1205)

۱۰۴. قرآن و حقیقت انجیل مسیحی

آموزه‌های قرآن به گونه‌ای است که با تمام ارکان تعریف مسیحی از انجیل مخالفت کرده است. براساس آن چه در تعریف مسیحی از انجیل گذشت، این تعریف بر سه پایه استوار است: ۱. عیسی صرفاً پیامبری مانند دیگر پیامبران نیست که حامل پیام باشد، بلکه او خود عین وحی الهی و بلکه تجسم خداست. او پسر خداست که برای نجات بشر فرستاده شده است؛ ۲. عیسی، با تحمل آلام و مصایب و مرگ بر صلیب، کفاره گناه انسان شد؛ ۳. عیسی پس از سه روز از قبر برخاست و این رستاخیز نشانه غلبه بر مرگ و رسیدن به حیات جاوید است. بر این اساس، هر کس به مسیح ایمان آورد، در واقع، جزئی از بدن عیسی شده و او نیز به حیات جاوید خواهد رسید. (N.C.E., 7/352)

قرآن با تمام ارکان انجیل مسیحی مقابله کرده است؛ در مخالفت با رکن اول، قرآن تأکید می‌کند که «عیسی جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق و آیتی گردانیده‌ایم نیست» (زخرف، ۵۹/۴۳) قرآن به طور مکرر تعبیر «عیسی، پسر مریم» و نه «پسر خدا»، را به کار می‌برد، چرا که او منزّه است که فرزندی داشته باشد. (نساء، ۱۷۱/۴) درباره رکن دوم، قرآن مصلوب شدن عیسی را پنداری بیش نمی‌داند که یهودیان به دروغ ساخته و پرداخته‌اند. (نساء، ۱۵۷/۴) گذشته از آن، جای طرح این ادعا را برای مسیحیان باقی نگذاشته که

بگویند: «عیسی به خاطر بخشایش گناهان ما بر صلیب رفت، چرا که خداوند انسان‌ها را مسئول گناه خودشان می‌داند. (انعام، ۶/۱۶۲؛ اسراء، ۱۵/۱۷) هم چنین در قرآن آمده که اگر کافران دو برابر آن چه در زمین است، فدیة بدهند تا از عذاب قیامت رهایی یابند، از آنها پذیرفته نمی‌شود. (مائده، ۳۶/۵) و نیز بیان می‌دارد که آنها که در باره عیسی ادعاهای گزاف نمودند، کافرند. (مائده، ۷۲/۵-۷۳) در باره رکن سوم، قرآن هیچ اشاره‌ای به رستاخیز عیسی پس از مرگش نکرده است. با این حال، در جای جای قرآن تأکید شده که ملاک رستگاری، «ایمان» و «عمل صالح» است، نه صرف ایمان، آن هم ایمان به مسیح! قرآن کریم می‌فرماید: **الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ**؛ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان را ایمنی است و ایشان راه یافتگانند. (انعام، ۸۲/۶).

صرف نظر از نفی مفهوم مسیحی انجیل، نظریه قرآن در مورد اصطلاح انجیل به عنوان «وحی‌ای که عیسی از جانب خداوند دریافت کرده»، از طریق متون موجود مسیحی نیز قابل اثبات است. نظریه قرآن مبتنی بر این گزاره‌هاست: ۱. عیسی بنده و پیامبر خداست؛ ۲. او همچون پیامبران دیگر بشری بوده که از جانب خدا وحی دریافت می‌کرده و برای اثبات پیامبری خود معجزاتی را آورده است؛ ۳. وحی‌ای که بر عیسی نازل شده مشتمل بر احکام تشریحی، معارف و اخلاق الهی بوده است. به بیان دیگر، او صرفاً مبلغ شریعت یهود نبوده، بلکه ضمن تصدیق تورات، حامل پیام جدیدی نیز بوده که خداوند این وحی و پیام جدید را «انجیل» نامیده است. در مورد گزاره اول، باید گفت که آیات متعددی از متون عهد جدید دلالت دارد که او بنده و پیامبر خدا بوده است (اعمال رسولان، ۳/۱۳ و ۲۶)؛ هم او خودش را یک پیامبر می‌دانسته و هم دیگران او را به عنوان پیامبر می‌شناخته‌اند. وقتی مردم شهر ناصره احترام او را نگه نداشتند، عیسی به ایشان گفت: یک پیامبر همه جا مورد احترام است، جز در وطن خود و بین هم وطنان خویش. (متی، ۵۷/۱۳-۵۸) وقتی او وارد اورشلیم شد، تمام شهر به هیجان آمد. مردم می‌پرسیدند: «این مرد کیست؟» جواب می‌شنیدند: او عیسی پیغمبر است از ناصره جلیل. (متی، ۲۱/۱۰-۱۱)

درباره گزاره دوم نیز آیات فراوانی از عهد جدید دلالت می‌کند که هم معجزاتش را به اذن خدا انجام می‌داده و هم از سوی خدا وحی بر او نازل می‌شده است. در عهد جدید، از قول پطرس، یکی از حواریون عیسی، آمده است: مگر خیال می‌کنید که ما با قدرت و دین داری خودمان این شخص را شفا داده‌ایم؟ این خدای ابراهیم، اسحاق، یعقوب و خدای اجداد ماست که با این معجزه، خدمت گزار خود عیسی را سرافراز کرده است. (اعمال رسولان، ۳/۱۲-۱۳) وقتی که «سران قوم یهود از سخنان عیسی تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: عجیب است! چگونه امکان

دارد شخصی که هیچ وقت در مدرسه دینی ما درس نخوانده است، این قدر معلومات داشته باشد؟ عیسی(ع) به ایشان فرمود: «آن چه به شما می‌گوییم، از فکر و نظر خودم نیست، بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است. اگر کسی به راستی بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که آن چه من می‌گوییم، از جانب خداست نه از خودم». (یوحنا، ۱۵/۷-۱۷؛ ۲۴/۱۴) از این سخن عیسی صدق سخن قرآن کریم نیز تأیید می‌شود که عیسی نه تنها انجیل را از خدا دریافت کرده، بلکه «تورات» موسی را نیز از طریق وحی گرفته است. (آل عمران، ۳/۴۸؛ مائده، ۵/۱۱۰) چرا که یهودیان می‌گویند که او هیچ وقت در مدرسه دینی ما درس نخوانده است. بدیهی است که تورات اصلی‌ترین متن آموزشی مدرسه دینی یهودیان بوده است و معلوم می‌شود که عیسی بدون درس خواندن نزد یهودیان، از آموزه‌های تورات کاملاً مطلع بوده که باعث تعجب علمای یهود شده است.

درباره گزاره سوم، آیاتی از اناجیل موجود از قول عیسی بیان می‌کند که او ضمن تأیید و تصدیق تورات، احکام و معارف جدیدی را نیز به مردم عرضه کرد. در موعظه سرکوه، عیسی می‌گوید: گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم. من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم. (متی، ۱۷/۵) آن گاه به نقل احکام تورات پرداخته، حکم تکمیلی آنها را نیز بیان کرده است؛ برای مثال می‌گوید: گفته شده است که زنا مکن، ولی من می‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده‌ای.... (متی، ۲۷/۵-۲۸) گفته شده است، اگر کسی می‌خواهد از دست زنش خلاص شود، کافی است طلاق نامه‌ای بنویسد و به او بدهد، اما من می‌گویم هر که زن خود را بدون این که خیانتی از او دیده باشد، طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است، زیرا باعث شده زنش زنا کند. (متی، ۳۱/۵-۳۲) ...شنیده‌ای که می‌گویند با دوستان خود دوست باش، و با دشمنان دشمن؟ اما من می‌گویم که دشمنان خود را دوست بدارید، و هر که شما را لعنت کند برای او دعای برکت کنید. (متی، ۴۳/۵-۴۴)

این سخنان روشن می‌سازد که سخن عیسی نیز از جنس سخن پیامبران پیش از اوست، نهایت آن که ضمن تصدیق آنها، برخی از احکام را تکمیل می‌کند و این همان چیزی است که قرآن می‌گوید که انجیل تصدیق کننده تورات است و در عین حال، در آن موعظه و ذکر و نور و هدایت و احکام الهی وجود دارد.

اگر کسی این سه نکته پیش گفته را بپذیرد، آیا باز هم مستبعد می‌داند که عیسی حامل پیامی از خدا بوده که در آن ذکر و نور و هدایت و موعظه است؟ این پیام، همان انجیلی است که قرآن آن را کتاب عیسی مسیح می‌داند. یادکرد این نکته نیز شایسته است که منظور قرآن از

انجیل عیسی، کتاب نازل شده به صورت نوشتار و مدون نیست و حتی در قرآن هیچ اشاره‌ای نشده است که این وحی به دست عیسی و در زمان خودش به صورت مکتوب وجود داشته است. «کتاب» در اصطلاح قرآن، همان وحی و شریعت و قانون الهی است که پیامبران برای بشر آورده‌اند. بنابراین، پیامبران الهی، حتی در زمانی که هنوز خط اختراع نشده بود، صاحب کتاب بوده‌اند. نباید اصطلاح قرآنی «کتاب» را با آن چه امروزه کتاب نامیده می‌شود، اشتباه گرفت. بنابراین، صرف نظر از مکتوب بودن یا نبودن انجیل در زمان خود عیسی، ایشان صاحب شریعت و حامل وحی الهی به مردم بوده و این همان «انجیل» مصطلح در قرآن است. نکته دیگر که لازم است بر آن تأکید شود آن است که ادعای قرآن مبنی بر وجود گفتارها یا نوشتارهایی وحیانی به نام انجیل، آن طور که از قرآن استفاده می‌شود، با کاربرد یا کاربردهایی دیگر از این واژه مغایرتی ندارد. بنابراین، می‌توان پذیرفت که عیسی، همانند دیگر پیامبران، از خداوند یا فرشته وحی سخنانی را دریافت می‌کرده که در قرآن و سنت مسلمانان به عنوان انجیل نامبردار است.

با این حال، ممکن است در برخی از نوشته‌های مسیحی و یا حتی در کلام منسوب به خود حضرت عیسی، این واژه در حقیقت انجیل که همان رستگاری و مژده رسیدن به حیات جاوید است نیز به کار رفته باشد. شاهد بر این مطلب آن که لفظ قرآن، در خود قرآن یا احادیث، نیز گاهی در متن ملفوظ، گاهی در متن مکتوب و زمانی در حقیقت قرآن که نه مکتوب و نه ملفوظ است، به کار رفته است؛ برای مثال در خود قرآن آمده که قرآن، آیاتی روشن است که در سینه‌های کسانی است که به آنها علم الهی داده شده است. (عنکبوت، ۲۹/۴۹) یا در حدیثی از قول یکی از همسران پیامبر اکرم (ص) آمده که در توصیف ایشان گفته است که خلق آن حضرت قرآن بود. (بخاری، ۷۴) هم چنین برخی «کلام نفسی» را [حقیقت] قرآن خوانده‌اند. (امام خمینی، ۱۸۱).

پس می‌توان گفت، همان طور که در احادیث و فرهنگ فرق مسلمین حقیقت قرآن بر موضوعاتی نظیر کلام نفسی و انسان کامل و یا بر اشخاصی مانند پیامبر و حضرت علی اطلاق شده است، عیسی و ره‌آورد زندگی او را نیز می‌توان حقیقت انجیل دانست. بنابراین، صرف نظر از موضوعاتی چون تجسد، تصلیب و فدا و نقش آنها در مفهوم انجیل، می‌توان با این گفته مسیحیان هم‌اندیشی داشت که «عیسی خود تجلی خداوند و نجات‌دهنده بشر است و این همان حقیقت انجیل است.» (Van, 7-8)

اما درباره نسخه مکتوب احتمالی از انجیل عیسی، برخی از مفسران قرآن بر این عقیده‌اند که احتمالاً انجیل مکتوب در همان سال‌های اولیه پس از عروج حضرت عیسی در معرض نابودی قرار

گرفته است، چرا که مسیحیان در آن زمان در بین یهودیان و تحت حکومت رومیان با ترس و وحشت زندگی می‌کردند تا این که در قرن چهارم پس از آن که قسطنطین مسیحی شد، آنها توانستند نوشته‌های خود را که حاوی بخشی از پیام‌های عیسی نیز بود، آزادانه منتشر سازند. (رشید رضا، ۱۵۹/۳)

می‌توان احتمال داد که نویسندگان اولیه مسیحی با استفاده از برخی نوشته‌های موجود حاوی سخنان حضرت عیسی، مکتوبات خود را سامان داده باشند. از این رو، مشاهده می‌کنیم که افرادی مثل پولس، که شاهد اقوال و افعال عیسی نبوده است نیز در نوشته‌های خود که پیش از اناجیل چهارگانه به نگارش درآمده، قطعه‌هایی از سخنان عیسی را گزارش کرده‌اند. در این‌جاست که احتمال وجود منبع یا منابعی مکتوب از وحی نازل شده بر حضرت عیسی قوت می‌گیرد. در تواریخ از مجموعه‌ای به زبان آرامی از گفته‌های مسیح به نام «لوگیا» (Logia) نام می‌برند که مرقس و متی در نوشتن اناجیل خود از آن بهره گرفته‌اند و احتمالاً پولس نیز چنین مدرکی را در دست داشته است. (ویل دورانت، ۶۵۴/۳) در سال‌های ۱۸۹۷ و ۱۹۵۳ گرنفل و هونت در مصر، در ویرانه‌های /وکسور هوتخوس دوازده قطعه از «لوگیا» را کشف کردند که با قسمت‌هایی از انجیل‌ها مطابقت نسبی دارد. این پاپيروس‌ها متعلق به دوران پیش از قرن سوم نیستند، ولی ممکن است از روی نسخه‌های خطی قدیمی تری استنساخ شده باشند. (همان، پا نوشت) گفتنی است که «لوگیا» صیغه جمع از واژه یونانی «لوگیون» (Logion) و آن مصغر واژه «لوگوس» (Logos) به معنای کلمه است. بنابراین، لوگیا به معنای «سخن خداوند» است. (I.S.B.E., 3/152) پس می‌توان گفت که این مجموعه از سخنان عیسی (لوگیا) در واقع، همان سخن خداوند بوده که عیسی به مردم ابلاغ کرده است. گاهی نیز از نوشته‌ای به نام Q (مخفف Quelle – واژه‌ای آلمانی به معنای منبع) یاد می‌شود که مورد استفاده متی و لوقا بوده، اما در اختیار مرقس نبوده است. (Ibid., 4/1-4) یادآور می‌شود که طبق نظر مشهور، متی و لوقا بیشتر مطالب انجیل خود را از مرقس اقتباس کرده‌اند، اما بخشی از مطالبی که به طور مشترک در متی و لوقا آمده، در مرقس یافت نمی‌شود. گاهی به این منبع هم لوگیا اطلاق می‌شود. (Ibid., 3/152)

۲۰۴ قرآن و مصداق انجیل در عصر نزول

پیش از این گذشت که برخی از کاربردهای قرآن از انجیل، ناظر به نوشتاری است که نزد مسیحیان مخاطب قرآن موجود بوده است و از آنها خواسته شده تا به آن چه در آن آمده، پای بند باشند. در این جا این پرسش پیش می‌آید که برای مسیحیانی که در هنگام ظهور اسلام در جزیره‌العرب زندگی می‌کردند، انجیل چه مفهومی داشته است.

از بحث‌های گذشته به دست آمد که ۲۷ کتاب عهد جدید از قرون اولیه مسیحیت رسمیت داشته است، با این حال، کتاب‌های دیگری نیز که اکنون در زمره «اپوکریفا» قرار دارد، کم و بیش استفاده می‌شده است. سخن در این است که در این میان قرآن کریم از کدام کتاب به عنوان انجیل یاد کرده است. به بیان روشن‌تر، وقتی قرآن می‌گوید: «اهل انجیل باید بنا بر آن چه خدا در آن نازل کرده، دآوری کنند» (مائده، ۴۷/۵) و «پیامبری که او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند» (اعراف، ۱۵۷/۷)، طبیعی است که باید نوشته‌ای واقعی در آن زمان بوده باشد و نمی‌توان آن را به کتابی فرضی حمل کرد. در این مورد می‌توان فرضیه‌های مختلفی را مطرح کرد که اهم آنها سه فرضیه است که در ذیل به بیان و شرح آنها می‌پردازیم.

۱۰۲۰۴ فرضیه اول: عهد جدید

از قرن دوم میلادی به بعد مجموعه نوشته‌های حواریون و رسولان به عنوان «عهد جدید» شهرت داشته است. تقریباً همه نویسندگان اناجیل، نامه‌ها، اعمال و مکاشفات بر این باور بوده‌اند که انجیل عیسی مسیح را به مخاطبان خود منتقل می‌کنند و همان طور که گذشت، پولس، نویسنده اولین نوشتارهای مسیحیت، پیام‌های خود را حاوی انجیل مسیح و انجیل خدا می‌دانست. هم چنین مسیحیان می‌پذیرند که اختصاص عنوان برخی از این کتاب‌ها به نام «اناجیل» صرفاً یک نام گذاری در پایان قرن دوم بوده است، و گر نه همه این کتاب‌ها به اعتقاد آنها به طور یکسان از اصالت الهام روح القدس بر نویسندگانشان برخوردارند و در واقع، همه آنها حاوی یک انجیل هستند. مسیحیان می‌گویند که «کلیسای اولیه همیشه یادآوری می‌کرد که تنها یک انجیل وجود دارد. عهد جدید هم هیچ‌گاه این کلمه را به صورت جمع (اناجیل) استفاده نکرده است. بنابراین، آن همیشه از یک انجیل صحبت می‌کند». (N.C.E., 6/367) نویسنده ای مسیحی می‌گوید: «از زمان قدیم این چهار کتاب که تاریخ زندگانی عیسی مسیح را بیان می‌کنند موسوم به اناجیل گردیدند، و گر نه [عیسی مسیح خود یکی بوده و لازم بود که انجیلش نیز یکی باشد. پس چون انجیل متی و انجیل مرقس و غیره می‌گوییم، مقصود از آن یک انجیل است که متی و مرقس و لوقا و یوحنا نوشته‌اند، همان روح راستی که رسولان را در نوشتن رساله‌های ایشان هدایت کرد، اشخاص مزبور را نیز در نوشتن این اناجیل رهنمایی کرد. (میلر، ۷۰) شاید از آن جهت تنها به اناجیل چهارگانه نام انجیل اطلاق کرده‌اند که بیشتر از دیگر کتاب‌ها (رساله‌ها، اعمال رسولان و مکاشفات) حاوی سخنان عیسی (ع) است. با این حال، بقیه کتاب‌ها نیز کم و بیش حاوی آموزه‌های حضرت عیسی است، از این رو، آنها را نیز می‌توان انجیل نامید، همان طور که پولس بارها مطالب خود را به عنوان «انجیل» معرفی می‌کند.

با این تأکیدی که خود مسیحیان بر یکی بودن انجیل دارند و نیز با توجه به کاربرد این

کلمه به صورت مفرد در کتب عهد جدید، نباید کسی بگوید که چرا قرآن انجیل را به صورت مفرد به کار برده است، چرا که قرآن، نه انجیل اربعه را قصد کرده است که لفظ جمع به کار برود و نه انجیل خاصی از انجیل چهارگانه یا انجیل اپوکریفا - که در آن صورت باید به نام خاص آن تصریح می‌کرد- بلکه مراد قرآن از انجیل، انجیلی که مسیحیان را دعوت به عمل به آن می‌کند، «عهد جدید» است؛ مجموعه‌ای که گرچه حاوی تمام محتویات انجیل واقعی نبوده، ولی فی‌الجمله حاوی انجیل عیسی بوده است. بنابراین، می‌توان گفت «انجیل» پیامی است که کم و بیش در همه نوشته‌ها جریان یافته است.

شاید قرآن کریم نیز در اشاره به عدم اشمال نوشته‌های مسیحی بر همه حقایق انجیل می‌فرماید: **وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا اِنَّا نَصَارَىٰ اخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما ذكروا به**؛ و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، ولی بخشی از آن چه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند. (مائده، ۱۴/۵) جالب است که آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مائده بر این امر تأکید می‌کند که خداوند هم از یهود و هم از نصاری «عهد» گرفته است و آنها بخشی از آن چه به آنها تذکر داده شده فراموش کرده‌اند. این امر ممکن است اشاره به این نکته باشد که آن چه یهودیان و مسیحیان با عنوان «عهد عتیق» و «عهد جدید» گردآورده‌اند، مشتمل بر تمام مطالب وحی شده در دین یهود و دین مسیح نیست. روایات و اخبار نیز در تفسیر **فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ** آن را بر کتاب آسمانی یهود و نصاری تطبیق کرده‌اند. (طبری، ۲۱۶/۶؛ سیوطی، ۴۱/۳) برخی از مفسران نیز بر این تفسیر صحه گذارده‌اند. (رشیدرضا، ۲۸۹/۶)

خلاصه آن که، گرچه وجود انجیل واقعی به صورت کتابی نوشتاری هیچ‌گاه در تاریخ گزارش نشده، مجموعه کتاب‌های مسیحیان با عنوان «عهد جدید» حاوی بخشی از آن انجیل است. از این رو، قرآن نیز توسعاً این مجموعه را انجیل خوانده است. بنابراین، چنین نیست که پیامبر اسلام فقط با یک انجیل ناشناخته غیر معتبر آشنا بوده و مقصودش از انجیل همان کتاب خاص باشد.

در تأیید فرضیه فوق می‌توان افزود که در عرف خود مسیحیان نیز گهگاه به عهد جدید انجیل اطلاق می‌شود. هم اینک نیز چاپ‌های مختلفی از مجموعه «عهد جدید» با زبان‌های مختلف به عنوان «انجیل» منتشر شده است. (برای نمونه می‌توان این موارد را نام برد: *انجیل عیسی مسیح*، کتاب عهد جدید، چاپ انگلستان، ۱۹۹۷؛ *انجیل شریف*، انتشارات کتاب مقدس، چاپ اول، ۱۹۷۶؛ عهد جدید، یعنی *انجیل مقدس خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح*، بی‌تا، بی‌جا؛ *الانجیل*، ترجمه عربی عهد جدید، ۱۹۸۲)

پیشانی عیسی مسیح

۲۰۲۰۴ فرضیه دوم: انجیل دیاتسرون

گفته شده که تا سال ۴۰۰ میلادی کتاب رسمی مسیحیان در مناطق خاورمیانه کتاب واحدی بوده که از ادغام چهار انجیل معروف به وجود آمده بوده است. این انجیل، «دیاتسرون» (Diatesseron) نام دارد که به زبان سریانی نوشته شده است. از این رو، احتمال دارد این انجیل در زمان نزول قرآن نیز کم و بیش در میان نصارای جزیره العرب مرسوم بوده باشد. هم اکنون اصل کامل این انجیل در دسترس نیست و تنها ترجمه بخش‌هایی از آن به زبان‌های دیگر موجود است. (Britanica, 4/69)

۲۰۲۰۴ فرضیه سوم: یکی از انجیل اپوکریفا

ممکن است فرض گرفته شود که در هنگام نزول قرآن، یکی از انجیل موسوم به اپوکریفا در میان مسیحیان جزیره العرب به عنوان متن معتبر تلقی می شده است. در این میان می توان از «انجیل عربی کودکی» (Arabic Infancy Gospel) نام برد که داستان‌های آن در مورد زندگی عیسی در طفولیت شبیه داستان‌هایی است که قرآن کریم نقل می کند. در باره این فرضیه باید گفت که یاد کرد مطالب مربوط به مسیح و حوادث زمان او در قرآن بسیار فراتر از محتویات یک کتاب مشکوک و غیر معتبر مسیحیان ساکن در جزیره العرب است و این خود دلیل بر بطلان سخن کسانی است که می گویند پیامبر اسلام فقط با یک انجیل غیر معتبر سر و کار داشته و تمام اطلاعاتش از مسیحیت از آن طریق اخذ کرده است، چرا که برخی از گزارش‌های قرآن از حوادث مربوط به زمان عیسی (ع) در نوشته‌های رسمی عهد جدید و انجیل چهارگانه نیز آمده است، مانند گزارش قرآن درباره یحیی (ع) و زکریا (ع) و بشارت تولد عیسی بن مریم (آل عمران، ۳۹/۳-۴۷؛ لوقا، ۱۳/۱-۱۹؛ ۲۶/۱-۳۵) اما این مطالب در انجیل‌های غیر رسمی مثل «انجیل عربی کودکی» وجود ندارد. هم چنین برخی از گزارش‌ها مانند سخن گفتن عیسی در گهواره و «دمیدن روح در هیکل گلین پرنده» در انجیل‌های رسمی وجود ندارد، اما در برخی انجیل‌های غیر رسمی مانند «انجیل عربی کودکی» وجود دارد. هم چنین برخی از مطالبی که قرآن در مورد عیسی می گوید در هیچ یک از کتاب‌های موجود مسیحیان وجود ندارد. بنابراین، گرچه منظور قرآن از انجیل موجود مسیحیان در عصر نزول «عهد جدید» است، اما مطالب قرآن در مورد عیسی و دیگر پیامبران، برگرفته از تورات و انجیل موجود نبوده، بلکه وحی‌ای است که پیامبر اکرم (ص) از خداوند دریافت کرده و از این رو، محتویات قرآن فراتر از کتاب‌های معتبر و غیر معتبر مسیحیان است.

۰۴۰۳ موارد ارجاعی قرآن به انجیل

همان طور که گذشت، قرآن تصریح می کند که در انجیل مطالبی در مورد پیامبر اکرم و یارانش مکتوب بوده و آن مطالب در دسترس مسیحیان بوده است. امروزه این سؤال مطرح است که در کدام کتاب مسیحیان چنین مواردی یافت می شود. در پاسخ می گوئیم که مطابق نظر قرآن این مطالب در کتاب های مسیحیان، اعم از رسمی و یا غیر رسمی، وجود داشته است، اگر چنین چیزی وجود نمی داشت، یهودیان و مسیحیان که در مدینه بسیار بوده اند، کتاب خود را نزد پیامبر(ص) می آوردند و می گفتند که اسم خود را نشان بده و اگر آن حضرت از چنین کاری عاجز می ماند، آن افراد موضوع را نشر می دادند. در صورتی که برعکس، عده بسیاری از یهودیان و مسیحیان آمدند و اعتراف کردند که نام گرامی آن حضرت و نیز اوصاف آن بزرگوار و آیین گرامی و پیروان او، در کتاب هایشان موجود است. (توفیقی، ۴۹) این نکته مهمی است که برخی از دانشمندان غربی نیز که سابقه ای در مسیحیت داشته اند بر آن تأکید کرده اند که «مسیحیان معاصر پیامبر اسلام، برخلاف هم کیشان غربی امروزی خود، مطالب قرآن را در مورد عیسی اموری پریشان و جعلی تلقی نمی کردند، بلکه آنها را معتبر و منسجم می یافتند.» (رابینسون، ۱۴۹).

ویلیام وات مونتگمری، دانشمند برجسته مسیحی معاصر نیز می نویسد: ما از دیدگاه های دقیق مسیحیانی که در مکه می زیسته اند یا به آنجا سفر می کرده اند عملاً چیزی نمی دانیم ولی می باید بپذیریم که بینش قرآنی از اعتقادات آنان عمدتاً صحیح بوده و نیز بر حسب ظاهر، این بینش آن قدر واقعیت داشته که برای [حضرت] محمد در مراوداتش با گروه های مسیحی مکه و سایر مسیحیان ساکن مناطق دیگر عربستان، مخصوصاً در برخورد دو سال آخر عمر او با مسیحیان، به اندازه کافی تأثیر گذاشته است. (مونتگمری، ۴۳)

در مورد نام پیامبر و نیز مثل یاران پیامبر در انجیل، باید بگوئیم که گرچه احتمالاً در سنت شفاهی و نیز برخی از کتاب های موجود و رایج در عصر نزول قرآن در مدینه این موضوع با صراحت بیشتری وجود داشته، اما با این حال، در نوشته های موجود مسیحیان نیز به سهولت می توان یافت. آیه ۲۹ سوره حجرات که مثل یاران پیامبر در انجیل را بیان می کند، اشاره به مثل برزگر در انجیل است. (متی، ۱۳: ۳-۱۰؛ مرقس، ۴: ۱-۱۲) از نظر دیدگاه قرآنی، با ظهور اسلام، تعالیم توحیدی عیسی - که دیر زمانی به وسیله کلیسا تیره و تار و مغشوش شده بود - در نهایت، بسان بذری کاشته شده در خاک حاصلخیز به بار نشست. (همان، ۱۵۵) در باره اشاره انجیل مسیحیان به پیامبر اسلام، رابینسون می نویسد: مطابق انجیل، «فارقلیط موعود، [محمد] مؤمنان را به تمام حقیقت رهنمون می سازد»، و از آن جا که قادر به خواندن و نوشتن نیست (امی)، «او از ناحیه خود سخن

نمی‌گوید؛ یعنی تنها آن چه را از طریق وحی می‌شنود، بیان می‌کند. (یوحنا، ۱۶/۱۳) واژه محمد در لغت به معنای «ستوده»، (Praised) و احمد به معنای «بسیار ستوده» (Highly Praised) است. هر دو واژه، معادل‌های قریب‌المعنی برای واژه یونانی «Periklutos» است که آن نیز واژه‌ای با همان تعداد از حروف مصمت با واژه «Parakletos = Paraclete» است و به همین دلیل، برای گویندگان زبان‌های سامی، دارای روح معنایی یکسانی است. بنابراین، حتی لازم نیست که چنین فرض بگیریم که مسیحیان به طور عمدی در متن انجیل [یوحنا] دست برده و کلمه «Parakletos» را جایگزین «Periklutos» کرده‌اند تا پیش‌گویی عیسی در مورد پیامبر اسلام را از بین ببرند. (همان، ۱۵۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه آمد می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

- ۱) آن چه امروزه مسیحیان آن را حقیقت انجیل عیسی مسیح می‌نامند، هیچ سنخیتی با انجیل مورد نظر قرآن ندارد. ارکان مورد استفاده در تعریف انجیل مسیحی، که عبارت از تجسد، تصلیب و رستاخیز عیسی در دنیاست، از سوی قرآن کریم رد شده است.
- ۲) کاربرد قرآن در مورد انجیل به عنوان کتاب و شریعت حضرت عیسی، با برخی کاربردهای دیگر نظیر آن چه در عهد جدید به عنوان انجیل یاد شده است، مغایرتی ندارد، زیرا ممکن است که برخی از آن کاربردها به گوهر و حقیقت انجیل اشاره داشته باشد.
- ۳) وقتی قرآن از انجیل موجود در عصر نزول سخن می‌گوید، هیچ یک از کتاب‌های خاص مسیحیان را، نه قانونی و نه مشکوک، قصد نکرده است، چرا که این کتاب‌ها هر یک به نام خاصی نامیده شده و یا منسوب به افراد خاصی است، مانند انجیل یوحنا، مکاشفه یوحنا، نامه به رومیان، انجیل متی، انجیل برنابا و رساله برنابا. طبیعی است که اگر کسی بخواهد به یکی از این کتاب‌ها اشاره کند باید به صورت معین و مشخص آن را نام ببرد.
- ۴) مواردی را که قرآن به انجیل عصر نزول ارجاع می‌دهد، در برخی کتاب‌های موجود مسیحی نیز یافت می‌شود. با این حال، احتمال دارد که در متون دیگری از نوشتارهای مسیحی که در عصر نزول قرآن مورد استفاده مسیحیان بوده، جزئیات بیشتری وجود داشته که اکنون بر ما معلوم نیست.

کتاب نامه

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، نشر نگارش، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲. الانجیل، ترجمه عربی عهد جدید، ۱۹۸۲.
۳. انجیل شریف، انتشارات کتاب مقدس، چاپ اول، ۱۹۷۶.
۴. انجیل عیسی مسیح (کتاب عهد جدید)، چاپ انگلستان، ۱۹۹۷.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، الادب المفرد، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۹۸۹.
۶. توفیقی، حسین، سیر تاریخی انجیل برنابا، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۱ ش.
۷. خمینی، روح الله، آداب الصلوة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲ ش.
۸. رایبسون، نیل، عیسی در قرآن؛ عیسی تاریخی و اسطوره تجسد، ترجمه محمد کاظم شاکر، هفت آسمان، ش ۲۴، ۱۳۸۳.
۹. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بالمنار، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۳.
۱۱. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، فرهنگ اسلام، تهران، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم، ۱۹۷۰.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. عهد جدید یعنی انجیل مقدس خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح، بی تا، بی جا.
۱۵. مونتگمری، ویلیام وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. میلر، و.م.، تاریخ کلیسای قدیم، علی نخستین، حیات ابدی، تهران، ۱۹۸۱.
۱۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه حمید عنایت و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

19. Britanika, *Encyclopedia Britanica*, Inc., USA, 1995.

20. *Encyclopedia Of Fundamentalism* (= E. F.), Brenda E. Brasher, New York, 2001.

21. *Encyclopedia Of Islam* (E. I), E. J. Brill, Leiden, 1986.

22. *International Standard Bible Encyclopedia* (I.S.B.E.), Geoffrey W . Bromiley, USA,1979.
23. Lofmark, Karl, *What is the Bible*, Rationalist Press, London, 1990.
24. *New Catholic Encyclopedia* (N. C. E.), Thomson Gale, 2003.
25. Van Dyke, Henry, *The Gospel for a World of Sin*, London, Hodder and Stoughton,1906.